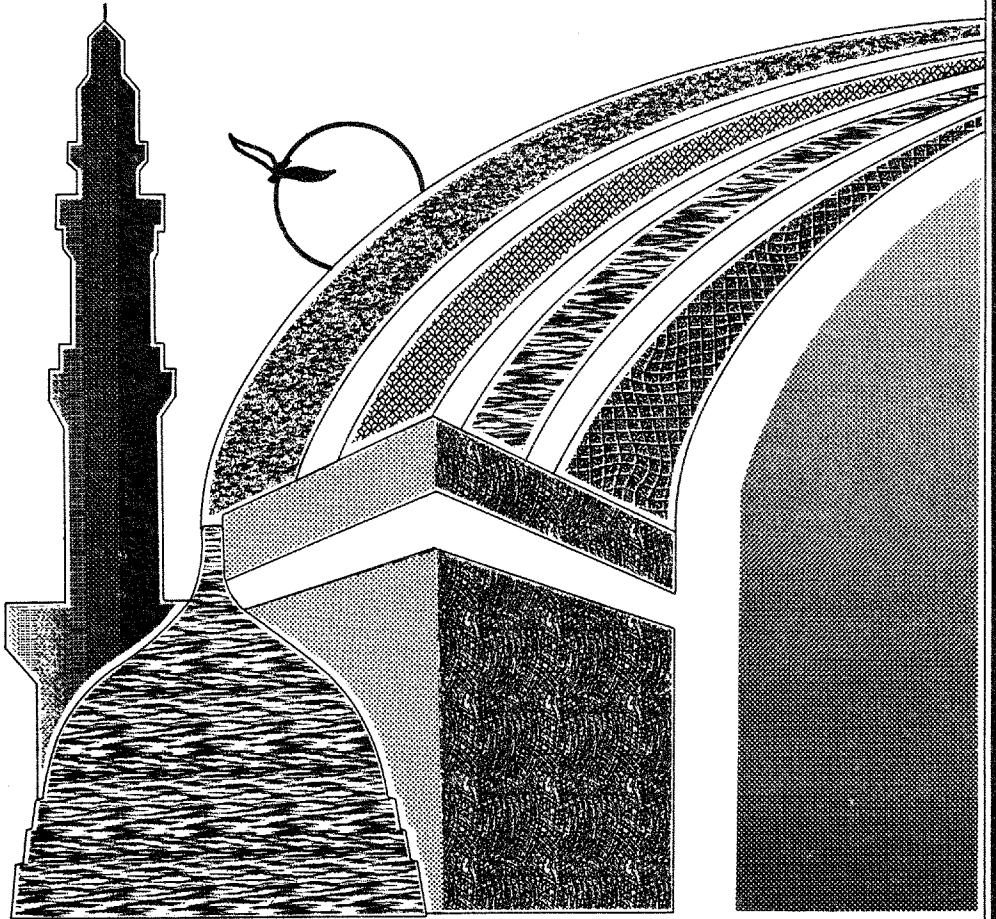


جاریہ سامی حج



وظایف اخلاقی حاجیان



عبدالهادی مسعودی

حج، یک عبادت اجتماعی است و در هر اجتماع، کوچک یا بزرگ، رعایت آداب معاشرت و حسن رفتار، لازم است. حاجیان و زائران خانهٔ خداوند، بزرگترین گردهمایی جهان اسلام را شکل می‌دهند و از این رو، چهره‌ای از دین و نمادی از شخصیت مسلمانان را به نمایش می‌گذارند. رعایت آداب و اخلاق اسلامی در این اجتماع شکوهمند می‌تواند این آیین بزرگ را محبوب هزاران تماشاگر غیرمسلمان کند و عدم رعایت این آداب، نه تنها به مسلمانان که به اسلام، ضربه‌هایی گاه غیرقابل جبران وارد می‌سازد. از این رو، محدث و مؤلف بزرگ شیعی، شیخ حرّ عاملی، در جامع بزرگ روایی خویش (وسائل الشیعه)، روایات مربوط به مسافرت و آداب معاشرت را در کنار ابواب حج آورده و همچون یک حکم فقهی به شرح و تفصیل آنها پرداخته است.^۱ این، بدان معناست که برای شناخت همه‌جانبه از وظایف اخلاقی زائران خانهٔ خدا، باید تمام ابواب و روایات مربوط به نحوهٔ رفتار یک مسلمان با دیگران بررسی شود.

اما دریا در کوزه ننگند و مظلوف از ظرف بزرگتر نباید؛ لذا در این مقاله فقط از آیات و روایاتی بهره می‌گیریم که وظایف سفر حج را به حاجیان گوشزد می‌کند. وظایفی که از هنگام عزم و تصمیم و تهیهٔ زاد و توشه تا اعمال و مناسک مکّه و مدینه و حتی پس از بازگشت، متوجه یک زائر بیت‌الله است. پیش از همه به ذکر وظیفه‌ای می‌پردازیم که در تمام مراحل این سفر و بلکه زندگی، لازم است:



۱ - تقوا

«الحجّ أشهر معلومات فمن فرض فيهنّ الحجّ فلا رفث ولا فسوق ولا جدال في الحجّ وما تفعلوا من خير يعلمه الله وتزودوا فإنّ خير الزّاد التقوى واتّقون»^۲

زائر بیت‌الله الحرام، پیش از سفر، همچون هر مسافر دیگری، توشه می‌اندوزد. این توشه باید متناسب با طول سفر، چگونگی آن و مقصد باشد. توشه راه مکّه، خوراک و پوشاک است ولی برای زیارت دوست، این کافی نیست. زائر کعبهٔ دوست، به سفر معنوی می‌رود و در آستانهٔ چنین سفری باید خود را از درون بیالاید. آلودگی دل را بزداید و روحش را تطهیر کند؛ خود را با فضیلت‌های اخلاقی زینت دهد و به مقدّس‌ترین مکانها و مبارک‌ترین بقعه‌ها، تقوا را ارمغان ببرد که صاحب خانه، در قرآن، آن را بهترین توشه خوانده است. تقوا سفارش همیشگی قرآن است؛ اما یادکرد مکرّر آن در آیات مربوط به حج (آیه‌های ۱۸۹، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۳ از سورهٔ بقره و آیهٔ دوّم سورهٔ مائده)، این نکته را تأکید می‌کند که زائر باید از آغازین لحظه‌های تصمیم و نیت، تا بازگشت به خانه، خود را از شیطان حفظ کند و در آشکار و نهان و دل و زبان، پرهیزکارانه، گام به سوی مقصد نهد.

افزون بر آیات، روایات نیز به رعایت تقوا سفارش کرده‌اند و آن را به عنوان نشانهٔ قبولی حج و به دست آوردن آثار و ثمرات گرانبهایش، ذکر کرده‌اند. پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «آیهٔ قبول الحجّ ترک ما کان علیه العبد مقيماً من الذنوب...^۳ نشانهٔ قبول حج این است که انسان گناہانی را که مرتکب می‌شد ترک کند». در حدیثی دیگر از پیامبر ﷺ این بیان، تفصیل داده شده است: «من علامهٔ قبول الحجّ إذا رجع الرجل عمّا کان علیه من المعاصی؛ هذا علامة قبول الحجّ و إن رجع من الحجّ ثم انهمک فيما کان من زناء او خیانة او معصية، فقدرّ علیه حجه...^۴ نشانهٔ قبول حج، بازگشت از گناہان گذشته است و اگر از حج بازگشت، اما بر گذشته‌اش چون زنا و خیانت و نافرمانی، اصرار ورزید، حجّش مردود است».

از این مهم‌تر، بی‌تقوایی و گناه، توفیق حج‌گزاردن را سلب می‌کند و انسان را از همهٔ آثار دنیوی و اخروی این عبادت بزرگ محروم می‌سازد. به عبارت دیگر، حرمان از پذیرفته‌شدن در مهمانی خداوند رحمان، اثر بی‌تقوایی و معصیت است و این معنا نیز از روایات، استفاده می‌گردد. برقی، عالم بزرگ شیعی قرن سوم در کتاب حدیثی و بسیار زیبای خود به نام «المحاسن» از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند: «من أراد الحجّ فتهيأ له فحرمه، فبذنب حرمه...^۵

کسی که برای حج آماده شد و محروم ماند، به سبب گناهش محروم شده است».

۲- اخلاص

گفته شد که حج، یک عبادت است و روشن است که عبادت حقیقی بدون اخلاص، محقق نمی‌گردد. حج وقتی حقیقت پیدا می‌کند که زائر، هیچ چیز بجز صاحب خانه را در نظر نیاورد و وسوسه‌های شیطانی را از دل براند. زائری که به قصد نمایش و تظاهر و خودنمایی، روانه حج گردد، از عملش هیچ بهره‌ای نمی‌برد و چون بقیه ریاکاران، پاداش خویش را باید از غیر خدا بطلبد؛ از همان مردمی که به قصد مدح و ثنای آنان، حج گزارده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «الحجّ حجان: حجّ لله و حجّ للناس؛ فن حجّ لله کان ثوابه علی الله الجتة و من حجّ للناس کان ثوابه علی الناس یوم القیامة...^۶ حج، دوگونه است: حجی برای خدا و حجی برای مردم. هر کس برای خدا حج گزارد، ثوابش بهشت و بر عهده خداست و هر کس برای مردم حج گزارد، پاداش آن را در روز قیامت از مردم بطلبد».

اثر دیگر حج که طهارت روحی و پاک‌شدن از گناهان و آلودگیهاست نیز در گرو رعایت اخلاص است. احادیث بسیاری، هم از راویان شیعی و هم از اهل سنت، بر این مطلب دلالت دارند.^۷ این دسته روایات، حج را به آب که پلیدی را می‌شوید و یا آتش که ناخالصی‌ها را می‌سوزاند، تشبیه کرده‌اند و زائر را پس از حج، مانند کودکی می‌دانند که پاک و بی‌گناه، تازه متولد شده است. در روایتی از امام صادق علیه السلام که در همین دسته روایات جای می‌گیرد، اساساً موضوع غفران و آمرزش خداوند، حج‌گزار مخلص است: «من حجّ یرید به الله، ولا یرید به ریاة و لاسمعة، غفرالله له البتة...^۸ هر کس به خاطر خدا حج بگزارد و نه ریا و تظاهر، خداوند حتماً او را می‌آمرزد».

همانگونه که از متن حدیث بر می‌آید، حاجیان غیرمخلص، از دایره این رحمت الهی بیرون‌اند و از حج، جز رنج و تعب و هدردادن عمر و سرمایه، بهره‌ای ندارند.

حجّ کامل، اخلاص بیشتر می‌طلبد. حج به معنی قصد است؛ نمی‌توان به قصد تجارت رفت و آن را حجّ خانه دوست و کعبه مقصود خواند. نمی‌توان به قصد تفریح و تفرّج رفت و زائر بیت‌الله شد و نمی‌توان سیاحت کرد و آن را زیارت دانست. این گونه حج که مخلوطی از قصد خدا و غیر خداست نیز حجّ ابراهیمی و محمّدی نیست. این حجّ جاهلیت دوباره در آخر

زمان است که حضرت رسول اکرم ﷺ بدان اشاره کرده است: «بأقی علی الناس زمان یکون فیه حجّ الملوک نزهة، و حجّ الأغنیاء تجارة، و حجّ المساکین مسألة...»^۹ زمانی می آید که حجّ پادشاهان برای تفریح است و حجّ ثروتمندان برای تجارت و حجّ فقیران برای گدایی. این مضمون را راویان اهل سنت نیز نقل کرده اند که فرازی بیشتر دارد و در آن به حجّ قاریان قرآن اشاره می کند و حجّ آنان را نیز برای ریا و سمعه و خودنمایی می داند.^{۱۰}

۳- پاک کردن دارایی

پس از تطهیر روح و خالص نمودن نیت، در مرحله عمل نیز باید این خلوص و پاکی جلوه کند. روشن است که اگر بخواهیم حجّ ما را پاک کند و از آلودگیهای درون بیالاید، باید خود پاک باشد. نمی توان با آب آلوده، آلودگی را زدود. نمی توان با مال به چنگ آورده از دزدی و با خیانت و رشوه و اختلاس و گران فروشی و کم فروشی و اجحاف، حج گزارد و انتظار پاک شدن از گناهان را داشت. نمی توان با مال حرام به حج رفت و انتظار پذیرش آن را داشت. نمی توان در لباس غصبی، لیبیک گفت و جواب را به انتظار نشست.

امام صادق علیه السلام می فرماید: «إذا اکتسب الرجل مالاً من غیر حلّة، ثمّ حجّ فلی، نودی: لالیبیک و لا سعیدیک...»^{۱۱} اگر کسی مالی از راه غیر حلال به دست آورد، سپس حج بگزارد و لیبیک بگوید، ندا می رسد: نه لیبیک و نه سعیدیک (که کنایه از جواب رد است). اهل سنت این حدیث را به گونه دیگری نقل کرده اند و هنگام این ندای الهی را نه در آغاز حج و احرام، که در همان ابتدای پا در رکاب نهادن و شروع سفر می دانند و در پایان آن، آورده اند: «توشه ات حرام و هزینه حجّ حرام است. حجّت نه مبرور که مأزور و وبال گردنت خواهد بود.»^{۱۲}

این بدان معناست که چنین زائری از همان مرحله نخست مناسک و حتی پیش از آن، در درگاه الهی پذیرفته نیست و مصرف دارایی هایش در حج، چیزی جز افزایش بدهی به صاحبان اصلی اموال را در پی ندارد.

نکته قابل توجه اینجاست که کم یا زیاد بودن آلودگی مال به حرام، در این عدم پذیرش، تفاوتی ندارد و حتی کم ارزشترین مال حرام در اسباب و تجهیزات حج و بار و بنه زائر، موجب مردود شدن حج می گردد. در تأکید همین نکته و زدودن چنین توهمی، حضرت محمد صلی الله علیه و آله شیء بسیار کم قیمتی را نمونه می آورد و می فرماید: «من تجهّز و فی جهازه عَلم حرام لم یقبل

الله منه الحج... ۱۳ هرکس بار سفر حج ببندد و تگه پرچمی حرام در وسایلش باشد، خداوند حجش را نمی‌پذیرد».

از باور و اعتقاد به این نکته است که هر ساله به هنگام حج، شاهد مراسم زیبای «طلب حلیت» کسانی هستیم که عازم زیارت کعبه مقصودند. اینان با جدیت و کوشش فراوان در پی ادای بدهی و پرداخت دیگر حقوق مالی خود به هر سو روان می‌شوند و با تأسی به اهل بیت عصمت و طهارت، هزینه حج را از هر آلودگی پاک می‌سازند و این سنت دیرینه و به جا مانده از ائمه معصومین علیهم‌السلام و پیشینیان صالح را زنده نگاه می‌دارند. بجاست این فرموده امام کاظم علیه‌السلام را بیاوریم که «إِنَّا أَهْل بَيْتِ، حَجِّ مَرُورَتِنَا وَ مَهْوَِرِ نَسَائِنَا وَ أَكْفَانِنَا مِنْ طَهْرِ أَمْوَالِنَا... ۱۴ ما خاندانی هستیم که هزینه حج‌گزاران و مهریه زنانمان و کفن مردگانمان را از پاکترین دارایی‌مان می‌پردازیم».

۴ - آگاه کردن دوستان

اکنون زائر در آستانه سفر است. او عزم را جزم، نیت را خالص و روح و جسم خود را تطهیر کرده است. تمام حقوق واجب را ادا کرده است و نیکوست که حقی مستحب را نیز ادا کند و با آگاه کردن برادران دینی‌اش، علقه‌ها و علاقه‌ها را تحکیم بخشد و محبت را در روابط اجتماعی تزریق کند. در حدیثی که راوی‌اش امام صادق علیه‌السلام و گوینده‌اش حضرت رسول اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌باشد این تکلیف اخلاقی بر عهده هر مسلمانی که قصد سفر دارد، گذاشته شده است: «حَقٌّ عَلَى الْمُسْلِمِ إِذَا أَرَادَ سَفْرًا أَنْ يُعْلِمَ إِخْوَانَهُ، وَ حَقٌّ عَلَى إِخْوَانِهِ إِذَا قَدِمَ أَنْ يَأْتُوهُ... ۱۵ بر گردن هر مسلمان است که هنگام سفر، برادرانش را آگاه کند و سزاوار است که آنها هم به هنگام بازگشت او به دیدارش بیایند». این دستور زیبای اخلاقی که رابطه‌ای دوسویه را ایجاد می‌کند، اثراتی سودمند نیز برای خانواده و بستگان و بازماندگان زائر دارد؛ زیرا دستور اخلاقی دیگری، این را تکمیل می‌کند و سوی دیگر رابطه را استوار می‌سازد. امام زین‌العابدین علیه‌السلام به برادران دینی و مؤمن زائر می‌فرماید: «مَنْ خَلَفَ حَاجًّا فِي أَهْلِهِ وَمَالِهِ، كَانَ لَهُ كَأَجْرِهِ، حَتَّى كَأَنَّه يَسْتَلِمُ الْأَحْجَارَ... ۱۶ هر کس جای خالی حج‌گزار را در خانواده و دارایی‌اش پر کند، اجری مانند او دارد، تا آنجا که گویی سنگهای کعبه را لمس می‌کند».



۵ - گشاده دستی

جود و سخاوت، از صفات مورد علاقه خداوند است و بدان سفارش کرده است. در موقعیتهای خاصی، این سفارش تأکید شده است که از آن جمله سیر و سفر است. زیاد برداشتن توشه نیکو و بذل و بخشش آن به همسفران، از مروّت و شرف و جوانمردی شمرده شده است.^{۱۷} حج، علاوه بر اینکه خود یک سفر است و مشمول این قانون و دستور کلی اخلاقی قرار می‌گیرد، ویژگی دیگری نیز دارد که سبب تأکید بر گشاده‌دستی در طول سفر و اعمال آن است. هزینه حج، بیش از صدقه و بیش از قرض و هر کار نیک دیگری، پاداش دارد و اجر اخروی آن را تا دو میلیون برابر کارهای دیگر ذکر کرده‌اند.^{۱۸} این ثواب زیاد، محرّک بسیار خوبی برای انفاق و جود و سخاوت در حج است. امامان شیعه، علاوه بر توصیه و سفارش زبانی، خود بدان عمل می‌کرده‌اند و با حمل بهترین توشه‌ها و بذل و بخشش از آن، به دیگر حاجیان و پیروان خود درس می‌داده‌اند و آنان را به این کار نیک می‌خوانده‌اند.

شیخ محدثان، صدوق، در کتاب بزرگ خود (من لا یحضره الفقیه)، نمونه‌ای از این دست ارائه می‌دهد. او می‌گوید: «کان علیّ بن الحسین علیه السلام إذا سافر إلى مکة و العمره، تزوّد من أطیب الزاد، من اللوز والسكر والسويق الحمض والمحلّی...^{۱۹} امام زین‌العابدین علیه السلام هرگاه برای حج و عمره به مکّه می‌رفت، بهترین توشه را فراهم می‌آورد، از بادام و شکر تا نوشیدنی‌های ترش و شیرین». این روش توسط پیروان امامان و زائران با ایمان در طول تاریخ ادامه یافت و تنگ‌نظری و تنگ‌دستی و بخل و امساک در مراسم حج، به صورت عملی نکوهیده درآمد و طرد شد.

گفتنی است این صفت نیز مانند دیگر چیزها، حدّ و مرزی معین دارد و نمی‌توان سخاوت و گشاده‌دستی را دستاویز ولخرجی و اسراف و فخرفروشی کرد. امامان شیعه در کنار دستور به گشاده‌دستی، بعضی از یاران خود را که در سفر حج، بدون رعایت حدّ و مرز و جایگاه آن به مهمانی و اطعام و خرج‌دادن پرداخته و عزّت و احترام همراهانشان را در نظر نگرفته‌اند، نکوهش کرده‌اند. حسین بن ابوالعلاء که از راویان بزرگ و از اصحاب امام صادق علیه السلام است می‌گوید: «با بیش از بیست نفر عازم مکّه شدیم. در هر منزلگاه، گوسفندی می‌کشتم تا به امام صادق علیه السلام وارد گشتیم. به هنگام ورود، ایشان مرا صدا زد و فرمود: یا حسین، آیا مؤمنان را ذلیل می‌کنی؟ من گفتم: به خداوند پناه می‌برم! حضرت به رفتار من در سفر حج اشاره کردند.

گفتم: اینها را نه به قصد ریا و خودنمایی که فقط برای خدا کردم. حضرت فرمود: مگر نمی‌دانستی که در میان آنان کسانی هستند که می‌خواهند مانند تو کنند و چون نمی‌توانند، دچار خود کم‌بینی و تحقیر نفس می‌شوند؟! من استغفار کردم و گفتم دیگر نمی‌کنم.^{۲۰} این معنا را امام صادق علیه السلام به یکی دیگر از یاران خود، به نام شهاب بن عبدربه، نیز سفارش کرده است.^{۲۱}

وجه جمع این دو دسته روایات و نتیجه هر دو دستور، در حدیثی که محمد حلبی از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند، آمده است. او که از همین مشکل همراهی شخص ثروتمند با اشخاص دیگر پرسیده است، جواب می‌شود: «ان طابت بذلک انفسهم فلا بأس به...^{۲۲} اگر رضایت خاطر دارند مشکلی نیست، خرج کند و اطعام دهد و گشاده‌دستی کند و اگر راضی نیستند، وظیفه شخص غنی است که صبر کند و با غذای آنان بسازد و خرج خود را جدا نکند و (به اصطلاح خاصه خرجی نکند)».

این همراهی و همگون‌بودن با جمع و کاروان، در بسیاری از اعمال حج نیز توصیه شده است. لباس یکدست سپید، حرکت همزمان از مواقع، حرکت یکسویه در طواف... همه و همه، نشان‌دهنده روح وحدت و اتحاد است که مطلوب شارع حکیم می‌باشد. تمام این نکات، نشان از دقت و ظرافت دستورات اخلاقی اسلام دارد که با رعایت آنها و نگاهداری حدود و مرزهای هر یک، می‌توان به اعتدال اخلاقی و روابط صمیمانه، عاطفی و منطقی، دست پیدا کرد.

۶- دوری از تکبر

با نگاهی کوتاه به روایات می‌توان دریافت که یکی از حکمت‌های تشریح حج، بیرون راندن تکبر از دلهاست. این معنا را از شکل کلی مراسم نیز می‌توان فهمید. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «بتعبدهم بألوان المجاهد ویتلیم بضروب المکاره، إخراجاً للتکبر من قلوبهم وإسکاناً للتدلل فی أنفسهم...^{۲۳} خداوند، با سختی‌های رنگارنگ، بندگان خود را به بندگی وامی‌دارد و آنها را با ناخوشی‌های گوناگون می‌آزماید تا خودپسندی و کبر را از دل‌هایشان بیرون کند و فروتنی را در جان‌هایشان جای دهد».

و در همین معنا حضرت رضا علیه السلام می‌فرماید: «إن علة الحج... والتقرب فی العبادة إلی الله

عزوجل والخضوع والاستكانة والذل...^{۲۴} یکی از علت‌های حج، نزدیکی به خداوند از راه عبادت و خضوع و تهیدستی و کوچکی است.»

برای همسویی با این حکمت و جهت نیل به این هدف، روایات، حاجیان را ترغیب به دوری از کبر و زدودن غرور و تفاخر از دلها می‌کند و با طرح ثمره مهم حج (آمزش گناهان)، آن را مشروط به دوری از کبر و اظهار تواضع می‌کند. امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «من أم هذا البيت حاجاً او معتمراً مبراً من الكبر، رجع من ذنوبه كهيئته يوم ولدته أمه...^{۲۵} هر کس قصد این خانه کند، به عمره یا حج، و از کبر دوری کند، باز می‌گردد در حالی که گناهی ندارد، همچون روزی که مادرش او را زاده است.»

این سفارش از هنگام قصد و عزم حج شروع می‌شود و در اولین قدم ورود به مکه و محل حج، تکرار می‌شود. در آداب ورود به مکه، توصیه شده است که بدوت تکبر و تجبر و فخرفروشی و در کمال تواضع و آرامش وارد حرم ابراهیمی شوید. این سفارش را امام صادق علیه السلام، هم به معاویه بن عمار و هم به اسحاق بن عمار، فرموده‌اند و اثر چنین ورود متواضعانه‌ای را غفران و آمزش خداوند دانسته‌اند.^{۲۶} ابان بن تغلب که از بزرگترین راویان فهیم و فقیه است، نمونه عملی و عینی این تواضع را گزارش کرده است. این گزارش، چگونگی بروز تواضع و اظهار این حالت درونی را در عمل خارجی، به تصویر کشیده و یگانگی دل و زبان و درون و برون را ترسیم کرده است. ابان که توفیق همراهی امام صادق علیه السلام را از مدینه تا مکه داشته است، می‌گوید که وقتی امام صادق علیه السلام به حرم رسید، از مرکب پیاده شد، غسل کرد، کفشهایش را به دست گرفت و پابرنه داخل حرم شد. من نیز چنین کردم. حضرت فرمود: «یا ابان، من صنع مثل ما رأيتني صنعت، تواضعاً لله، محال الله عنه مائة ألف سيئة و كتب له مائة ألف حسنة و بنى الله عز وجل له مائة درجة و قضى له مائة ألف حاجة...^{۲۷} ای ابان، هر کس از روی تواضع چنان کند که دیدی من کردم، خداوند صد هزار کار زشتش را محو کند و صد هزار کار نیک برایش بنویسد و صد هزار درجه به او بدهد و صد هزار حاجتش را روا کند.»

ابراز و اظهار تواضع از راههایی دیگر نیز نقل شده است و امام صادق علیه السلام به پیروان خود آنها را تعلیم داده است. ایشان می‌فرماید: «أنظروا إذا هبط الرجل منكم وادی مكة فالبسوا خلقان ثيابكم، فانه لم يهبط وادی مكة أحد ليس في قلبه من الكبر إلا غفر له...»^{۲۸} وقتی وارد مکه شدید، لباسهای کهنه‌تان را بیوشید که هیچ کس بدون تکبری در دل به مکه فرو

نیامد، مگر اینکه آمرزیده شد.»

در حدیث دیگری از این گونه، شخصی ستوده شده است که با وجود امکان استفاده از لباس نو و زیور و زینت، به خاطر تواضع در مقابل خداوند، از لباس کهنه استفاده می‌کند.^{۲۹} هم در آن و هم در اینجا، تمیزی و نظافت و زیبایی نکوهش نشده و مورد نهی قرار نگرفته است؛ بلکه خودنمایی و فخرفروشی و تجمل ممنوع شده است که این منع، همسو با دیگر اعمال حج، بویژه احرام است که از آداب واجب ورود به مکه می‌باشد.

۷ - حسن خلق

شیوه حج کاروانی و دسته‌جمعی، حاجیان را علاوه بر مراسم و فرائض حج، در منزل و خورد و خوراک نیز به هم پیوند می‌دهد. از سوی دیگر، سختی اعمال، و شرایط ویژه آب و هوای حجاز، زمینه را برای درگیریها و برخوردهای احتمالی کوچک و بزرگ آماده می‌سازد. گاه زائران و دیگر همراهان، عاداتی دارند که برای بعضی دیگر پسندیده نیست و گاه کمبود امکانات و تنگی مکان در مینا و مشعر و یا غربت و سرگستگی و دوری از خانه و خانواده، چنان روح را می‌آزارد که احتمال طغیان آن می‌رود و آنگاه، غضب و ناراحتی، زمام امور را از کف عقل می‌رباید و در این هنگام باید منتظر حادثه بود که گاه کفاره و عقوبتهایی را هم برای زائر در پی دارد. از این رو، رعایت آداب معاشرت و خوشرویی و خوش اخلاقی، از لازمت‌ترین کارها محسوب می‌شود.

امامان معصوم علیهم‌السلام برای گام به گام این سفر روحانی، دستورات و توصیه‌هایی بیان کرده‌اند تا زائر را از این دام شیطانی (ترشرویی و بداخلاقی) برهانند و حج او را بی‌فساد و خلل، مقبول و مأجور گردانند. در ابتدای خروج از خانه، دعای خروج بخواند و بگوید: «اللهم انی أسألك فی سفري هذا السرور والعمل بما یرضیک عنی»^{۳۰} خداوندنا من از تو در این سفرم، سرور و انبساط خاطر و عمل به رضای تو را می‌طلبم». و برای هنگام پیمودن مسیر حج، فرموده‌اند: «ما یعبأ من یوم هذا البیت إذا لم یکن فیہ ثلاث خصال: خلق یخالق به من صحبه، أو حلم یملك به من غضبه، أو ورع یحجزه عن محارم الله...»^{۳۱} به زائری که سه خصلت در او نباشد، توجه نمی‌شود. حسن صحبت و نیکویی معاشرت با همراهان، بردباری و خودداری به هنگام غضب و خشم، و پرهیز از محرمات خداوند». این حدیث که مشابه آن در



آداب سفر، زیاد نقل شده است^{۳۲}، حجگزار بد اخلاق و تندخو را دور از عنایت خداوند بر می‌شمارد و او را بی‌بهره از حج معرفی می‌کند. چنین کسی، گویا آمده و دیده و رفته است؛ بدون هیچ نصیبی و ثمری! چنین شخصی مورد نکوهش شدید واقع شده و اهل بیت علیهم‌السلام او را از دایره ولایت خود و گروه مؤمنان به خداوند، بیرون رانده‌اند.^{۳۳}

پیشوایان دینی ما، هم در اطراف حسن خلق و ارزش و برکات و ثمرات آن در روابط اجتماعی سخن گفته‌اند و هم ما را از ضررها و آثار سوء بد خلقی، برحذر داشته‌اند که به عنوان نمونه از هر یک، حدیثی را می‌آوریم. پیامبر فرمود: «الخلق الحسن نصف الدین...^{۳۴} خوی نیکو نیمه‌ای از دین است» و همو فرمود: «الخلق السیء یفسد العمل کما یفسد الخلّ العسل...^{۳۵} خوی بد، عمل را فاسد می‌کند؛ همچون سرکه که عسل را خراب می‌کند». آری؛ اگر حجگزار نرمخو نباشد، خوشرو و خوش‌زبان نباشد و با همراهان و نزدیکان بنای بد خلقی بگذارد و با اندک سختی خشم بگیرد، حج شیرین و پرارزش خود را از دست می‌دهد و با دستی خالی و کوله‌باری تهی باز می‌گردد.

۸- نگهداری از زبان

زبان و کلام، نقش ویژه‌ای در روابط انسانی ایفا می‌کند و در متون اخلاقی، بسیار بدان پرداخته شده است. گناهان بزرگی که با زبان انجام می‌گیرد و هیچ عضوی به اندازه آن، نمی‌تواند انواع گوناگون معصیت و طاعت داشته باشد. ایجاد دشمنی و عداوت با زبان ممکن است و اظهار دوستی و محبت هم با آن میسر. کج خلقی و بددهنی و دشنام، با زبان انجام می‌گیرد و خوش صحبتی و مزاح و شوخی هم. در حج، به این عضو، توجه شده است و خداوند در قرآن کریم بعضی از افعال زشت آن را به هنگام حج، حرام کرده است: «الحجّ أشهر معلومات، فن فرض فیهنّ الحجّ فلارفت ولا فسوق ولا جدال فی الحجّ»^{۳۶}. حج، ماههای معینی دارد و هر کس در آن ماهها حج می‌گذارد، نباید آمیزش جنسی کند و یا دروغ بگوید و یا مجادله و نزاع کند.

دستورات این آیه، در معارف حدیثی ما پی گرفته شده است. امام صادق علیه‌السلام می‌فرماید: «إذا أحرمت فعلیک بتقوی الله و ذکر الله كثيراً، و قلّة الکلام إلاّ بخیر، فإنّ من تمام الحجّ والعمرة أن یحفظ المرء لسانه إلاّ من خیر، کما قال الله عزّ وجلّ؛ فإنّ الله عزّ وجلّ یقول:

«فمن فرض فيهن الحج...»؛ والرفث: الجماع؛ والفسوق: الكذب والسياب؛ والمجدال: قول الرجل: لا والله و بلى والله...^{۳۷} هرگاه احرام بستى، تقوا را همراه گیر و خداوند را فراوان یاد کن و کم گو مگر به نیکی؛ همانا اتمام حج و عمره به حفظ و نگاهداری زبان است مگر به نیکی؛ همان گونه که خداوند می‌گوید: «فمن فرض فيهن الحج فلارفت و لافسوق ولاجدال في الحج». رفت همان جماع است؛ و فسوق یعنی دروغ و دشنام؛ و جدال هم قسم به ذات جلاله الله است.»

کم‌گفتن و نیکو گفتن، حج را مبرور و مقبول و نیکو می‌گرداند و اثر سوء گفتارهای زشت را از بین می‌برد. گذشته از نصّ روایت نبوی که بزّ و نیکی حج را به اطعام طعام و طیب کلام تفسیر می‌کند^{۳۸}، روایتی در تفسیر «تفت» داریم که در ذیل آیهٔ مربوط به حلق و تراشیدن سر در روز عید قربان، وارد شده است و آن را شامل پلیدیهای باطنی نیز می‌داند. در این روایت، کلام نیکو و پاکیزه را کفّارة گفتار زشت می‌داند و حاجیان را به نیکویی گفتار فرا می‌خواند تا عواقب سوء گفتارهای قبلی خود را پاک کنند و همان گونه که تفت و چرک و کثافات ظاهری را از تن می‌شویند، پلیدیهای درون را نیز بزدایند. متن روایت را به جهت اشتغال بر نکات دیگر اخلاقی در پی می‌آوریم.

معاوية بن عمار از امام صادق عليه السلام نقل می‌کند: «أتق المفاخرة وعليك بورع يحجزك عن معاصي الله عزّ وجلّ، فإنّ الله عزّ وجلّ يقول: ﴿تَمَّ لِيَقْضُوا تَفْهَمُ﴾»^{۳۹} ومن التفت أن تتكلّم في إحرامك بكلام قبيح، فإذا دخلت مكّة فطفت بالبيت، تكلّمت بكلام طيب، وكان ذلك كفّارة لذالك...^{۴۰} از فخرفروشی بپرهیز و باورع، خود را از معصیت خداوند نگاه‌دار. خدا می‌فرماید: سپس خود را از پلیدی و کثافات، پاک کنند. از جملهٔ این کثافات، گفتار زشت در احرام است. پس هنگامی که به مکه داخل شدی و طواف کردی، گفتار نیکو بگو که این، کفّارة آن است.»

آری گفتار بد، روح را کدر و دل را تیره می‌سازد و صفا و صمیمیت را نابود می‌کند و جبران آن اگر ممکن باشد از راه زبان و کلام نیکو میسر است.

۹- کمک و خدمت به همراهان

برآورده کردن نیازهای مؤمن و برادر دینی، از پرارزشتترین کارها و برتر از بسیاری



مستحبات است. از احادیثی که به ذکر فضیلت این کار و بیان اجر آن پرداخته‌اند، به اهمیت آن و ارزش فوق‌العاده‌اش پی می‌بریم. بعضی از آنها بر آوردن حاجت‌های مؤمن را برتر از بیست حج می‌شمرد و در بعضی، اقدام و شروع (به خدمت) بدون موفقیت و کسب نتیجه را برابر با حج می‌رورد و مقبول خوانده‌اند.^{۴۱} با این همه، به سبب اجر و پاداش فراوان طواف و اعمال مستحبی در ایام حج، گاه اشخاصی به تردید افتاده‌اند و در انتخاب بین «خدمت و کمک به دیگر حاجیان» یا «طواف و نماز مستحبی در مسجدالحرام» متحیر مانده‌اند. اسماعیل خثعمی از این دسته افراد است که در پی تأیید و امضای عمل خویش به نزد امام صادق علیه السلام رفته می‌گوید:

«إِنَّا إِذَا قَدَمْنَا مَكَّةَ ذَهَبَ اصْحَابُنَا يَطُوفُونَ وَيَتَرَكُونِي أَحْفَظُ مَتَاعَهُمْ. قَالَ: أَنْتَ اعْظَمُ أَجْرًا...^{۴۲} به مکه که آمدیم، دوستانم به طواف رفتند و مرا رها کردند تا وسایل آنها را حفظ کنم. امام فرمود: اجر و پاداش تو بیشتر است.»

مرازم بن حکیم همین تردید را نسبت به اعمال مسجدالنبی از همراهش در مدینه نقل می‌کند تا اینکه امام صادق علیه السلام او را از حکم مسأله باخبر می‌کند و وظیفه اخلاقی‌اش را به او نشان می‌دهد. او می‌گوید: «زاملت محمد بن مصادف، فلما دخلنا المدينة اعتللت، فكان يمشي إلى المسجد ويرعني وحدي. فشكوت ذلك إلى مصادف، فأخبر به أبا عبد الله عليه السلام فأرسل إليه: قعودك عنده أفضل من صلاتك في المسجد...^{۴۳} من به همراه محمد بن مصادف وارد مدینه شدم. من مریض شدم. او به مسجد می‌رفت و مرا تنها می‌گذارد. از او گله کردم و او این را به امام صادق علیه السلام اطلاع داد. امام بدو پیام داد: نشستن تو در کنار او، بهتر و برتر از نماز در مسجدالنبی است.»

اهمیت این دو فرمان اخلاقی هنگامی روشن می‌شود که ثواب و اجر طواف در مسجدالحرام و نماز در مسجدالنبی را بدانیم. برطبق روایات فراوانی که هم شیعه و هم اهل سنت نقل کرده‌اند، نماز در مسجدالنبی از همه مساجد دیگر بجز مسجدالحرام برتر است. پاداش نماز در مسجد پیامبر را هزار، ده‌هزار و حتی پنجاه‌هزار برابر نماز در مساجد دیگر نقل کرده‌اند و نماز در مسجدالحرام را صد‌هزار برابر.^{۴۴} و ثواب طواف و نماز طواف در مسجدالحرام، ثبت شش‌هزار حسنه و محو شش‌هزار گناه و ترقی به همین مقدار درجه و برآورده شدن همین تعداد حاجت است.^{۴۵}

۱۰- گناه نکردن پس از بازگشت

حفظ نتیجه عمل و بهره‌برداری از ثمرات کارهای نیک، گاه سخت‌تر از خود آن کار است. زائر با مراقبت از رفتار خود و آموختن درست مناسک، می‌تواند از عهده حج و اعمال آن به درآید و با حسنات و ثمرات و حجتی مقبول و مبرور برگردد و نور حج را در قلب و روح خود برای همیشه روشن نگاه دارد؛ ولی افسوس که این نور با اولین گناه، به خاموشی می‌گراید و سایه معصیت، پرتو نورانی این عبادت بزرگ را از نورافشانی باز می‌دارد. امام صادق علیه السلام این خطر را گوشزد کرده و بدان هشدار داده است. امام می‌فرماید: «الحاج لا يزال عليه نور الحج ما لم يلم بذنب...»^{۴۶} و هم از این روست که به پیروان خود دستور داده‌اند پیش از آنکه حاجیان و عمره‌گزاران، آلوده گناه شوند، به دیدارشان بشتابید تا بهره‌ای از این نور و مغفرت و رحمت خداوندی ببرید.^{۴۷} این در حقیقت همان تقوا و دوری از معصیت است که در همه مراحل سفر و پس از آن نیز باید رعایت شود.

علاوه بر این سفارش عام، به بعضی از گناهان که پس از بازگشت احتمال ابتلا به آنها بیشتر وجود دارد، اشاره شده است. یکی از آنها بازگو کردن عیبها و خطاهای سرزده از همسفران است. به هنگام شرح ماجراهای پیش‌آمده در سفر و یا درد دل کردن از سختیها و آزارها، سفره دل باز می‌شود و سخن با غیبت و گاه تهمت آلوده می‌گردد. در بعضی موقعیتها، نیز رازهای همراهان را که معمولاً در سفر و ضمن خطرات آن برای ما گشوده می‌شود، افشا می‌کنیم و آبرو و اعتبار آنان را لکه‌دار می‌سازیم که این کار برخلاف امانت و مروّت است. دلایل فراوانی بر حرمت این کار داریم که در ابواب مربوط به مجلس و مسافرت آمده است.^{۴۸} حتی در بعضی روایات، گفتار به نیکی را نیز نهی کرده‌اند که شاید وجه آن، ایجاد حریم برای نیفتادن به کار حرام باشد. متن حدیث چنین است: «لیس من المروءة أن یحدّث الرجل بما یلقى فی سفره من خیر أو شرّ...»^{۴۹} از جوانمردی به دور است که انسان هرچه را در سفر دیده - از خوب و بد - بازگوید».

در پایان، نتیجه می‌گیریم که وظایف زائر در انجام اعمال و فرائض و مناسک خلاصه نمی‌گردد؛ بلکه تحصیل آثار فراوان حج و قبولی این عبادت بزرگ در گرو رعایت دستورات اخلاقی این عبادت اجتماعی است. امید که هر زائر، نمونه‌ای از مسلمان مطلوب اسلام باشد و با رفتار نیکو و شایسته خود، در جلب محبت همکیشان و توجه دیگران، توفیق یابد.



● پانوشتها:

- ۱- ایشان در «کتاب الحج» پس از ابواب «وجوب حج، نیابت حج و اقسام و مواقیت حج» آداب سفر را آورده است. این قسمت، ۶۸ باب و ۲۹۲ حدیث دارد. سپس ابواب آداب معاشرت را در ۱۶۶ باب و با ۸۸۹ حدیث آورده است. پس از اینها به سایر احکام حج پرداخته است.
- ۲- بقره: ۱۹۷
- ۳- الجعفریات: ص ۶۶
- ۴- همان.
- ۵- محاسن برقی: ج ۱، ص ۱۴۸، ح ۲۱۰، عوالی اللثالی: ج ۴، ص ۲۷، ح ۸۵
- ۶- همان: ج ۱، ص ۱۷۰، ح ۲۵۹
- ۷- بنگرید به تهذیب الاحکام: ج ۵، ص ۲۲، ح ۱۵؛ کافی: ج ۴، ص ۲۵۲، ح ۱؛ صحیح بخاری: ج ۲، ص ۵۵۳، ح ۱۴۴۹ و معجم اوسط طبرانی: ج ۵، ص ۱۷۷، ح ۴۹۹۷
- ۸- ثواب الأعمال: ص ۷۰، ح ۲
- ۹- تهذیب الاحکام: ج ۵، ص ۴۶۲، ح ۱۱۶۱۳
- ۱۰- بنگرید به تاریخ بغداد: ج ۱۰، ص ۲۹۶، و الفردوس: ج ۵، ص ۴۴۴، ح ۸۶۸۹
- ۱۱- کافی: ج ۵، ص ۱۲۴، ح ۳؛ تهذیب الاحکام ج ۶، ص ۳۶۸، ح ۱۰۶۴
- ۱۲- معجم اوسط طبرانی: ج ۵، ص ۲۵۱، ح ۵۲۲۸
- ۱۳- محاسن برقی: ج ۱، ص ۱۷۰، ح ۲۵۹
- ۱۴- من لایحضره الفقیه: ج ۱، ص ۱۸۹، ح ۵۷۷
- ۱۵- کافی: ج ۲، ص ۱۴۰، ح ۱۶
- ۱۶- محاسن برقی: ج ۱، ص ۱۴۷، ح ۲۰۶
- ۱۷- من لایحضره الفقیه: ج ۲، ص ۱۹۲ و نیز مراجعه کنید به وسائل الشیعة: ج ۱۱، ص ۴۲۳ (چاپ آل البیت).
- ۱۸- التهذیب: ج ۵، ص ۲۲، ح ۶۲
- ۱۹- من لایحضره الفقیه: ج ۲، ص ۲۸۲، ح ۲۴۵۵
- ۲۰- محاسن برقی.
- ۲۱- کافی: ج ۴، ص ۲۸۷، ح ۷
- ۲۲- محاسن برقی.
- ۲۳- کافی: ج ۴، ص ۲۰۰، ح ۲، نهج البلاغه: خطبة قاصعه (۲۳۴).

- ۲۴ - علل الشرایع: ص ۴۰۴، ح ۵
 ۲۵ - کافی: ج ۴، ص ۲۵۲، ح ۲
 ۲۶ - کافی: ج ۴، ص ۴۰۰، ح ۹ و ۱۰ و نیز بنگرید به الفقیه: ج ۲، ص ۲۰۶، ح ۲۱۵۰ و محاسن برقی: ج ۱، ص ۱۴۳، ح ۱۹۲
 ۲۷ - کافی: ج ۴، ص ۳۹۸، ح ۱؛ تهذیب الاحکام: ج ۵، ص ۹۷، ح ۳۱۷
 ۲۸ - محاسن برقی: ج ۱، ص ۱۴۳، ح ۱۹۴، مکارم الاخلاق: ج ۱، ص ۲۴۸، ح ۷۳۷
 ۲۹ - بحار الانوار: ج ۷۱، ص ۴۲۵، ح ۶۸
 ۳۰ - کافی: ج ۴، ص ۲۸۴، ح ۲
 ۳۱ - کافی: ج ۴، ص ۲۸۵، ح ۱ و ح ۲
 ۳۲ - وسائل الشیعه: ج ۱۱، ص ۴۳۲، باب ۴۹
 ۳۳ - بنگرید به کافی: ج ۴، ص ۲۸۶، ح ۴ و خصال صدوق: ص ۱۴۵، ح ۱۷۲
 ۳۴ - بنگرید به خصال صدوق: ص ۳۰، ح ۱۰۶ و کنز العمال: ح ۵۲۲۵
 ۳۵ - عیون اخبار الرضا(ع): ج ۲، ص ۳۷، ح ۹۶
 ۳۶ - البقره: ۱۹۷
 ۳۷ - کافی: ج ۴، ص ۳۳۷، ح ۳؛ تهذیب الاحکام: ج ۵، ص ۲۹۶، ح ۱۰۰۳ و نیز بنگرید به ۱۰۰۵ و تفسیر عیاشی: ج ۱، ص ۸۸، ح ۲۲۵
 ۳۸ - مستدرک حاکم: ج ۱، ص ۶۵۸، ح ۱۷۷۸؛ سنن کبری: ج ۵، ص ۴۳۰، ح ۱۰۳۹۰
 ۳۹ - حج: ۲۹
 ۴۰ - من لایحضره الفقیه: ج ۲، ص ۳۳۳، ح ۲۵۹۳
 ۴۱ - کافی: ج ۲، ص ۱۹۳ و ۱۹۴، ح ۹ و ۴
 ۴۲ - کافی: ج ۴، ص ۵۴۵، ح ۲۶
 ۴۳ - همان: ح ۲۷
 ۴۴ - بنگرید به کافی: ج ۴، ص ۵۵۶، ح ۱۰ و تهذیب الاحکام: ج ۶، ص ۳۱ و ۳۲ و سنن الدارمی: ج ۱، ص ۵۱ و سنن ابن ماجه: ج ۱، ص ۴۵۳، ح ۱۴۱۳ و ثواب الاعمال: ص ۵۰، ح ۱
 ۴۵ - کافی: ج ۴، ص ۴۱۱، ح ۲
 ۴۶ - کافی: ج ۴، ص ۲۵۵، ح ۱۱
 ۴۷ - کافی: ج ۴، ص ۲۵۶، ح ۱۷؛ من لایحضره الفقیه: ج ۲، ص ۲۲۸، ح ۲۲۶۴
 ۴۸ - بنگرید به میزان الحکمه، عنوان ۶۹ «المجلس»، باب ۵۲۰ و وسائل الشیعه: ج ۱۱، ص ۴۳۶ و ۴۳۷
 ۴۹ - محاسن برقی.